



کامپیوتر دیوانه

@insanecomputer

[کامپیوتر خله]

مانیفست پرو کسی خود

.entry-meta

ترجمه شمئیل

dastopaa.net

**هشدار:** این مانیفست را کامپیوتردیوانه<sup>۱</sup> به عنوان مانیفست پروکسی نوشته است. این مانیفست ضرورتاً بازتاب دیدگاه‌های کامپیوتردیوانه نیست. بخشی از پروژه‌های ست برای شبکه‌ای بزرگتر. مانیفست پروکسی توضیح داده نخواهد شد، بل که ممکن است، با پیوندهایی به همین پروژه‌ی شبکه‌ی بزرگتر، نسخه‌ای بازبینی شده و بسط یافته بعداً به آن اضافه شود.

**مانیفست پروکسی خود<sup>۲</sup>**  
**(یا مانیفستی از طرف پروکسی)**  
از کامپیوتردیوانه

\*\*\*

**\*\* ما معصوم نیستیم! و هیچ کس معصوم نیست!**  
**ما از معصوم‌ها نیستیم! \*\***

ما پروکسی هستیم. ما اشباح آواتارهایی نیستیم که در سرتاسر جهان فرافکنده شده‌اند و از طریق کابل‌های فیبر نوری در جریان‌اند.

ما موج زومی‌ها نیستیم.

ما سررسیدن نعش داده‌ایم.

ما بر لبه‌ی فروپاشی کلان سیستم زاده شده‌ایم، از دل بایت‌های داده‌های سقرت شده از اسکن‌های سه‌بعدی با تکنولوژی‌های اختصاصی. بدون قدمی، در آبگیر فروپاشی کلان سیستم گام برمی‌داریم.

پروکسی خود، رادیکال‌تر از «شبکه‌ی جهانی» یا «منحصراً محلی»، نقطه‌ای بی‌نهایت به هم فشرده است. این معنای راستین تکینگی است. تکینگی نقطه‌ی گرانش<sup>۳</sup> بی‌نهایت است، نه نقطه‌ی عزیمت از تکنواندیشه

---

1 insanecomputer

۲. proxyself؛ خودپروکسی نیست. پروکسی خود است. خود کلمه پروکسی هم جدا از بار مفهومی‌اش در شبکه و کامپیوتر به معنی وکالت یا نمایندگی هم هست، گرچه این بار معنایی بیشتر در حالت خودپروکسی می‌تواند کارکرد داشته باشد. این‌جا مسأله همان پروکسی خود است، یعنی در پیوند با فضای کامپیوتری، گذشته، شبکه‌ای، و تکنولوژیک، با مباحث مفهومی و کارکردی که در ادامه می‌آیند، حتی در پیوند با یک‌جور پروکسی سرخود، یعنی با فهم وضعیت خودمختاری مواضع و مناطق در سایبراسپیس. با این همه، و با نظر به نکته‌ی آخر، به نظر بار معنایی نمایندگی هم کاملاً بجاست اگر حاکی از ساخت فضایی خودآئین باشد و نه وکالت چیزی به نیابت از چیزی دیگر. م.

3 data corpse

4 gravity

یا تکنوموجودات. تکنیکی نقطه‌ی بی‌نهایت به هم فشرده‌ی فروپاشی سیستمی گسترده است که مجاور ما از درون منفجر می‌شود و از طریق ترکیب کردن مرزهایمان با نیروی مهارنشده‌ی آمیزه‌ای همجوش<sup>۱</sup> تقسیم‌مان می‌کند. تکنیکی در مقام پروکسی خود هستنده‌ای درون سه‌کره<sup>۲</sup> است، نه هستی و رای کره.

ما فیزیک (بی) بدن دار<sup>۳</sup> (نا) محبوب جنبش‌های مردم‌گرا هستیم. فضا زمان شبکه‌ای شده<sup>۴</sup> مردم فیزیک<sup>۴</sup> جنبش‌های مردم‌گرای دوران ما را به عنوان مازاد استخراج کرده است، بخشی از درهم‌جوش خوردگی یک فیزیک که خطوط بیرونی<sup>۵</sup> مان را درون سرداب زندگی له‌ولورده کرده است.

مرده سیاست ورژن ۲,۰<sup>۶</sup> ظهور کرده است. جنایات جنگی و دانش همزمان یکدیگر را تولید می‌کنند. دانش جنایت جنگی است. جنایات جنگی دانش‌اند. جنگ دانش نمایش وضعیت محبوس منزوی مان است. پروکسی خود از دل همزمانی این شرایط ظهور می‌کند و خودش شرطی است که ما از دلش فکر می‌کنیم. پروکسی خود همزمان در فاصله و محلی است، همزمان نابودی و انزواست. نعش داده در مقام پروکسی خود بدین ترتیب زندگی تازه است!

**ما معصوم نیستیم! و هیچ کس معصوم نیست! ما از معصوم‌ها نیستیم!**

ما بومی‌های دیجیتال‌ایم، زاده‌ی سلول سیمان و سیم، تداوم‌دهندگان خیانت‌های گذشته و خودخیانت‌گری‌های گذشته. ما این قفس را پس می‌زنیم، ولی نادیده‌اش نمی‌گیریم؛ مجبوریم از خلالش فکر کنیم. معترف‌ایم به این سیستم مسموم که در آن هم قفس‌ایم و هم در قفس افتاده. ما سوزده‌های سیاسی یک شب (یک کابوس) متشنج تمام‌عیار هستیم.

نعش‌های داده‌های ما، تولید شده با درهم‌جوش خوردگی، ذهن‌نعش<sup>۷</sup>‌های سارقانی هستند که ما را درون صدف شبه کد<sup>۸</sup>شان زاییده‌اند. وجود ما: کد درهم‌جوش خوردگی‌های سلول‌های زندان دوبعدی و خطی برنامه‌ای که می‌زاید مان. پروکسی خود نمی‌تواند صرفاً از درون معین شود، نه با صحنه‌ای در خارج که تکنیکی زندگی شبه‌گذشته را فرامی‌خواند. شبه‌کد درهم‌جوش خوردگی تنها کد نیست!

---

۱. conglomeration: درهم‌آمیختگی، درهم‌جوش خوردگی، آمیزه‌ای مختلط از عناصر دگرسان، قوام‌یابی یا انعقاد مؤلفه‌های ناهمخوان در یک مرکب. به معنی شرکت‌های مختلط چندملیتی با زیرشاخه‌های مختلف ترکیبی هم هست. م.

۲. glome: اگر کره سطحی دوبعدی است که به مرز یک توپ یا گردی در سه بعد شکل می‌دهد، گلوب یا سه‌کره ایژه‌ای سبب‌بندی است که به مرز یک توپ یا گردی در چهار بعد شکل می‌دهد. گلوب یا سه‌کره /سه‌سپهر (3-sphere) نمونه‌ای از منیقولد سه‌تایی یا سه‌گونا یا سه‌دوری است. کلمه کره (globe) در انتهای این جمله نیز بیشتر از آنکه به شکلی توپولوژیک یا هندسی نظر داشته باشد بابت حضور مفهوم هستی به معنای کره‌ی زمین یا بوم کره است. باین حال، پیوندی مفهومی بین کره و سه‌کره وجود دارد. خود کلمه sphere یا کره در هندسه از ریشه فارسی سپهر است، اشاره‌ای به زمین و فلک، و همین‌طور گردی‌شان، حتی به روزگار یا آن‌چه گردون خوانده می‌شود. م.

3 (un)bodied

4 pop-physics

5 outlines

6 necropolitics 2.0

7 mind-corpse

8 pseudo-code

پروکسی خود در مقام نعش داده با هر دو بازاری و زدودگی شروع می‌کند. ما ساختارهای هویتی داده‌شده به ما را با ساخت خودمردگان دیجیتال<sup>۱</sup> جمع و پاک می‌کنیم. ما پروکسی خودها می‌شویم تا قبرکن‌ها و قبردزدهای نعش‌های داده‌هایمان شویم، دورنماهای اسکن‌شده‌ی خودهای قبلی‌مان.

پروکسی خود، که آواتار نیست، کد آبژه<sup>۲</sup> است، نعش‌داده‌ای که قیام کرده. نعش‌داده‌ی آبژه کد<sup>۳</sup> خیزش پروکسی خود است و شبکه‌ای تازه از ناپدید<sup>۴</sup> را می‌آفریند. ما به زیرزمین می‌رویم، یا مؤجزتر، ما زیر گرانس دیجیتال شده قرار داریم، در عمل ناپدید شبکه‌ای شده با پروکسی. ناپدید شبکه‌ای شده — چون هیچ انقلابی نیست که اکنون در کار باشد. تمام انقلاب‌ها، تمام هویت‌ها، حالا دو پروکسی<sup>۵</sup> اند، نه دودویی، نه انشعاب، نه تفاوت، نه پیش‌بینی شده در زمان آینده‌ای که از قبل به فروش رفته، نه جهان شمول، بل که پرتحرک و به هم‌زننده در همزمانی الزامی‌مان از بازاری و زدودگی.

ما با انکسار و بیرون‌زدگی کد می‌کنیم، جریان داده‌ها را از سیستم امنیتی دوبعدی درهم‌جوش خوردگی بیرون می‌کشیم تا با نیروی سبوعانه‌ی سه‌بعدی برآورده‌اش کنیم. ما خطی بودن و سیستم‌های دوبعدی را به سایه‌های پروکسی خود سه‌بعدی گره می‌زنیم.

هیچ انقلابی وجود ندارد که اکنون در کار باشد! هیچ خودی وجود ندارد، فقط پروکسی خود وجود دارد!

### همه‌ی جنگ‌ها جنگ‌های پروکسی‌اند. و همه‌ی خودها پروکسی خود اند.

پروکسی خود سه‌بعدی سایه‌ی کابوس تشنج‌زای تمام‌عیار مرده‌سیاست شبه‌گذشته‌ی ورژن ۲,۰ است. پروکسی خود سه‌بعدی نعش الگوی ما برای یک سیاست هنر پروکسی جدید است. ما هنر تحلیلی، پروکسی‌سی، زیباپروکسی گرا<sup>۶</sup> هستیم، سیاست هنر پروکسی را مادون کابل‌های فیبر نوری در پناهگاه‌هایی زیر بارش رادیواکتیو توطئه می‌چینیم. هنرمند تولیدکننده نیست، دیگر سازنده نیست، بل که یک اسکندر است، یک دزد، یک الگوساز برای نعش، یک پست‌کننده‌ی داده<sup>۷</sup>، یک منطقه‌ی یتیم. هنرمند دیگر مؤلف نیست، بل که حامل رانه‌های پرشی سیاسی لابه‌لای حباب‌های بازار است، گوش‌به‌زنگ در/از وضعیت محبوس منزوی.

---

1 the digital self-dead

۲. abject code؛ آبژه عنصری ست مرزی، درمیان، بیرون‌زده، اضافه، پست، دفع‌شده، آلوده، شدید، مسری، اهانت‌دیده، لعن‌شده، مطرود. م.

3 abject-code data-corpse

4 disappearance

5 biproxy

6 artalytical, proxylitical, aesthetiproxicist

7 data abjection

افزایش رزولوشن<sup>۱</sup> درون سه کره یک تغییر پروکسی ست، یک گرانش اچدی<sup>۲</sup> قابل رویت. آینده نه حرکتی در مسیر حرکت، نه رفتن از یک خط کد به خط بعدی، بل که زوم کردن به جلو روی رزولوشن تکینگی هاست. رزولوشن بالاتر همان آینده‌ای ست که خطی حرکت نمی‌کند و نمی‌تواند خطی حرکت کند. تغییر پروکسی یک علت-معلول است، تغییری ناقلیدسی که با افزودن رزولوشن ایجاد شده است: بایت‌ها بر ثانیه در فضا. رزولوشن یک گرانش مرئی ست. ما گرانش اچدی را کالبد شبکه‌ی نامرئی ناپدیدمان در نظر می‌گیریم. این فعالیت زیباشناختی ماست، یک سیاست هنر پروکسی، یک تمرین پروکسی خود. رزولوشن انقلاب پروکسی ماست!

سیاست هنر پروکسی خود جنبشی به سوی تغییر خطی نیست، بل که جنبشی در رزولوشن سرداب‌های ماست. یک بعدی، دوبر بعدی، سه بعدی، چهار بعدی، پنج بعدی — مسأله نه در مورد ایجنت‌ها، بل که در مورد تیزهوشی مکان‌شناختی، کاتالیزورهای دیجیتالی عمیق، و کاتابولیسیم‌ها<sup>۳</sup> است. وضوح بالا همان تغییر، خلق موضع‌ها، و تولید لبه‌هاست. این فضا زمان سیاست هنر پروکسی ست. وضوح مان بالاست و زندگی مان نازل! ما درون زوم‌های گرانشی حرکت می‌کنیم. ما داریم فشرده می‌شویم، همان گرفتگی‌های عروقی آینده‌ی ذهن‌نحشی که ما را زاییده است. رزولوشن انقلاب است! پروکسی خود دارد سر می‌رسد!

\*\*\*

تمام جنگ‌ها جنگ‌های پروکسی اند.

تمام خودها پروکسی خود اند.

ما معصوم نیستیم!

هیچ کس معصوم نیست!

ما از معصوم‌ها نیستیم!

\*\*\*

---

۱. resolution: وضوح، هم وضوح بصری در فضاها، تکنولوژیک و هم وضوح دید یا بینش، به معنی کیفیت روشن‌بینی و وضوح چشم‌انداز. م.

۲. HD: یا High Definition، به معنی وضوح بالا یا تصویر باکیفیت یا میدان دید شفاف. م.

۳. catabolism: کاتابولیسیم یا فرسوختم نیمه از فرایند متابولیسیم یا سوخت‌وساز است، نیمه دیگر هم آنابولیسیم نام دارد. فرسوختم فرایندی ست که در آن یاخته‌ها مولکول‌های پیچیده را نابود می‌کنند تا انرژی حاصل از این روند انهدام یا پوسیدن مولکول‌ها را به خود بگیرند و از نیروی آن‌ها بکاهند. این فرایند به اصطلاح برون‌گرایی ست. به همین دلیل به آن متابولیسیم تباه‌کننده نیز می‌گویند، چون بافت زنده طی فرایندهایش به انرژی و فضولات بدل می‌شود، نشانه‌ای از فرایندهای متکی بر گندیدن چینه‌ها یا خورده شدن نکرورکراسی. م.